

معلوم کرد که این پاره ناکام با این فعل قبیح گرفتار آمده و در پی راهش
خود بخود نه نوزده دهنمت باشد مگر بی غوی تقصیرش تو جهه می شود اما
این سلفت از تقاضای کند که یکی را به بخشد و دیگران را در
به برسد انگاه باشد خود سببی میجوید و بوی یکی از حاضرین دولت
با تقاضای ایشان به بفرماید که حق نندن روی تقاضای مبارک تا به چشم
بیم این ایشان یکی از معربان مجلس حسین تقاضای مبارک که این
کمانه کار را بعد از تقاضای است اگر از سر تقصیرش در گذرند حسن بر کار است
بعانه ایحال ملک از تقاضای در گذرند درین صورت تقاضای جبر است
منت بکنم یعنی رفا و خواهش او همین بود که در تقاضای در در تقاضای
همین صورت متعلق خواهد شد که بان ایشان می فرماید **مَنْ دَعَا إِلَى**
دَفْعِ عَهْدِهِ إِلَى الْإِسْلَامِ كَيْفَ كُنْتُ نَزِدَ عَلَيْهِمْ كَمَا يَأْتِيهِمْ لِيُخْبِرُوا
کیسه که ایشان خواهد شد سفارش او جله که خواهد شد بخود باند
اراده آید با مقام کسی متعلق خواهد شد که طاقت دارد که دم تقاضای

نزد

نزد خدای عزوجل را را بنی باید نمود که تقاضای هم بر او است و به تقاضای
نیز چون در کتاب است بگویند پس معنی ایشان است می فرماید **قُلْ اللَّهُ شَافِعُ**
جَمِيعًا لِكُلِّ امْرِئٍ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ خداوند است تقاضای همه بدست کسی که در تقاضای
ایشان حال تقاضای بسیارند ما در آن را از افاضت خدای تعالی بازمی دارد
در پس یکی را از انبیا و اولیا قادر بر نفع و ضرر است در این دنیا
نزد همین معنی ازین آیه مقصود است **قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي**
شَيْئًا وَلَا لِمَنْ يَتَّبِعُنِي أَتَقْتُلُونَهُمْ أَمْ يَكْتُمُونَ
مِنَ الْكَلِمَاتِ مَا تَكْتُمُونَ انا الانسین یس و یس و یس و یس
بگوئی محمد صلی الله علیه و سلم که بنی توانم بر این خود نفع رسانند
نزد رسانیدن مگر آنچه خدا خواسته است و در کون دانستی علم غیب
بگویند بسیار جمع کردی در جنس منفعت در سببی بمن هم سخنی بنتم
من مگر میم کننده و فروده و بنده بولیع کردی که یقین میکند حاصل
آن است که بفرموده صلی الله علیه و سلم با وجودی که لول انداخت

نزد خدا